

## کارگران کوچک، بردگان ارزان، دومین کنگره جهانی خود را برگزار کردند!

روزهای چهارم تا هشتم سپتامبر ۲۰۰۵، شهر دهلی (هندوستان) و شرکت کنندگان در این کنگره شاهد یکی از پرشورترین صحنه های مبارزه ضد سرمایه داری در جهان معاصر بودند. ۲۳۰ کودک کارگر به نمایندگی از جانب کودکان کارگر ۳۰ کشور جهان، کنگره دوم جهانی شان را برای بحث و تبادل نظر بر سر مسایل عملی جنبش لغو کار کودک، فراتر رفتن از موقعیت امروز، برداشتن قدم های بعدی جنبش لغو کار کودک و از این طریق تقویت جنبش کارگری جهانی برگزار کردند.

کنگره دوم کودکان کارگر با عنوان «تحصیل اجباری و رایگان با کیفیت بالا برای تمامی کودکان جهان» آغاز به کار کرد. ۱۴۷ نماینده کودکان کارگر، که در کنگره اول در فلورانس (ایتالیا) به علت عدم صدور ویزا برای آن ها توسط دولت ایتالیا با بهانه پوچ «خطر امنیتی» از شرکت در آن کنگره محروم و کنگره از وجودشان بی بهره گشته بود، با شرکت و حضور گرم و فعال خود در این کنگره، فضایی صمیمی و پرشور ایجاد کرده بودند.

طی سه روز گرم و فعال از کار و تبادل نظر و هم چنین مناظره با نمایندگان «سازمان جهانی کار»، «یونیسف»، «یونسکو»، و نیز گفت و گو با وزاری آموزش و پرورش و رفاه دولت هندوستان و سایر سازمان های ذیربط، و برنامه هایی چون رقص، آواز، تئاتر، خنده و شوخی های بانمک کودکان، کنگره سلام و شادی، کنگره اشک و بدرد، کنگره اشک و خنده توامان کودکان کارگر، که نشان سادگی و شادابی، پاکی و زلالی، وجود عزیز و شریف این کارگران کوچک زخم خورده را داشت با موفقیت به پایان رسید.

این همه شفافیت در روح و ذهن، این همه شوق زندگی و پویایی، را فقط و فقط در این کارگران کوچک و پیشرو می توان یافت. کودکانی که بعضا از سه سالگی وادار به استفاده از دستان کوچک شان گشته اند و برخی از آنان با آزادی از یوغ بردگی و رهایی از زنجیر کار مزدی و دسترسی به تحصیل – که آرزوی شان بوده است – دارای چنان شخصیت و هویت قوی و روشن فکری هستند، که به راستی حیرت آور و باور نکردنی است. آری، کنگره دوم جهانی کودکان کارگر همان طور که کای لاش ساتیراتی، دبیر «گلوبال مارش» (رژه جهانی علیه کار کودک) گفت: «نه سمینار و نه کنفرانسی از آن دست که عده ای دور هم جمع شوند، سلام و لبخندی رد و بدل کنند و دست آخر هم گیلانی شامپاین بنوشند، بلکه کنگره یک جنبش بود.»

قطع نامه پایانی این کنگره جدا از آن که بعضا رنگ و بو و تاثیر NGO های مستقیما تحت آتورتیه دولت ها را با خود دارد و می خواهد سیاست های پارلمنتاریستی را به یک جنبش زنده و راستین حفته کند، اما تا آن جا که به خواست درونی کودکان کارگر برمی گردد، حاصل تجربه زندگی کارگری و خواست قوی آزادی آن هاست. باز هم به قول کای لاش ساتیراتی: «نگاهش کنید! باورتان می شود که این قطع نامه را بچه ها نوشته باشند؟ بهتر از بسیاری از برنامه های نوع سازمان ملل و سایر نهادها فرموله شده است!»

پس از سئوال های کودکان کارگر و جواب های نمایندگان دولت ها و سازمان های جهانی، کای لاش ساتیراتی از کودکان پرسید: «به سئوال هایتان جواب دادند؟ ازشان قول گرفتید؟ به قول شان اعتماد دارید؟» کودکان گفتند: «نه!» از آن ها پرسید: «چه بکنیم؟» فریاد زدند: «اعتصاب، انقلاب!» گفت: «جنبش!» آری جنبش! آن هم جنبشی زنده و پرتوان.

این بود چهره واقعی این کنگره که کودکان مکزیک، کامبوجی، ژاپنی، فیلیپینی، بلژیکی، هندی، پاکستانی، بنگلادشی، برزیلی آمریکایی، آفریقایی و اسپانیایی در آن حضور داشتند. از ایران، کودک کارگری به نمایندگی از کودکان کار در کنگره شرکت نداشت. اما کودکی از جانب یک نهاد NGO و «یونیسف» به کنگره فرستاده شده بود، که گزارش ملی دولت جمهوری اسلامی

درباره وضعیت کودکان را ارائه داد.

این کنگره پر شور و سنت گذار با یک تظاهرات بیش از ده هزار نفره در روز پنج شنبه هشتم سپتامبر به پایان رسید. تظاهراتی که حقیقتاً همان کلمه Power (قدرت) را که بر کلاه های کودکان نقش بسته بود، متبلور می کرد. این تظاهرات با شعارهایی چون «بسه دیگه هزاران دست زخمی کوچک»، «ما تحصیل می خواهیم و شادی و رفاه»، «نه به کار کودک، ما تحصیل می خواهیم»، «رو، رو، رژه جهانی علیه کار کودک»، سرمایه دار را چه کنیم؟ محو! ما چه کنیم؟ بازی و درس!»، «کار مزدوری باید لغو شود» و... شروع شد و با «زنده باد آزادی و انقلاب!» خاتمه یافت.

به جنبش لغو کار کودک پیوندید؛ چرا که نه تنها جنبشی انسانی و شریف است، بلکه بخش پرتوان جنبش کارگری جهانی است!

**«جمعیت الغای کار کودکان در ایران»**

**سوسن بهار**

**دهلی (هندوستان)، ۹ سپتامبر ۲۰۰۵**